

بررسی تجدد در فضاهای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی دوره ی پهلوی اول نمونه مورد مطالعه شهر ارومیه

آرش گلابی^{1*}، امید محمدی²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، گروه معماری، مهاباد- خیابان کشاورز - کوچه پنجم- پلاک 32, Email: Golabi.arash@gmail.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، گروه معماری، مهاباد- خیابان وفایی- کوچه هشت متری سوم غربی- پلاک 32
Email:omid_2722@yahoo.com

چکیده

جنبش تجددخواهی در ایران که با شکست مشروطیت، از اصلاحات پایین به بالا ناامید شده بود، تمرکز قدرت رضاخانی را مرکبی مناسب برای خواسته‌هایش دید. تجددخواهی اقتدارگرا برای نوپردازی نیازمند طرح بود و قانون؛ منبع مالی و مجری. دیوانسالاری پهلوی در شهرسازی اسلامی برای پاسخگویی به این نیازها، بلدیة را فربه کرد تا شهر طراحی شده جای شهر ارگانیک و اسلامی را بگیرد که این را لازمه تجدد می دانست و آن را نماد عقبماندگی. این چنین بود که شهرسازی نو به پشتوانه نظری چهار گرایش فکری اصولگرا، بوم گرا، نوواره و نوپردازانه در عمده بلاد مملکت به اجرا درآمد. شهرسازی اینک زبانی نو برای محاوره برگزیده بود. واژگان شهری چون خیابان، فلکه، بازار، تجهیزات شهری، ادارات، مدارس، کارخانجات، شرکتها و پارکهای ملی در واژه نامه شهرسازی اسلامی ایران دستخوش تغییر شدند. این مفاهیم با گرامری متفاوت سامان یافتند. دستور زبان جدید شهرسازی بر این اصول بنیان یافت: خیابانهای صلیبی، الگوی قرن نوزدهم اروپا، توسعه شطرنجی، منطقه بندی و فرسوده انگاری بافت